

بررسی رابطه بین تعامل مادر-کودک، اضطراب و افسردگی مادر با پرخاشگری دانش‌آموزان پسر دوره ابتدایی ناحیه یک شهر رشت

الهام عابدین‌زاده^۱، محسن مشکبیدحقیقی^{۲*}

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، مؤسسه آموزش عالی سیمای دانش، رشت، ایران

۲. استادیار گروه روانشناسی مؤسسه آموزش عالی سیمای دانش، رشت، ایران

*نویسنده مسئول: Ehya110@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین تعامل مادر-کودک، اضطراب و افسردگی مادر با پرخاشگری دانش‌آموزان پسر دوره ابتدایی ناحیه یک شهر رشت انجام شد. نوع پژوهش توصیفی و روش آن نیز همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی مدارس آموزش و پرورش ناحیه ۱ شهر رشت در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به همراه مادرانشان (۸۷۰) بود که از بین آن‌ها نمونه‌ای به تعداد ۲۰۵ دانش‌آموز و ۲۰۵ نفر مادر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌های پرخاشگری آیزنگ و گلین ویلسون (۱۹۷۵)، ارزیابی رابطه مادر-فرزند روس (۱۹۸۰) و اضطراب و افسردگی هاسپیتال زیگمون و اسنایت (۱۹۸۳) استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد بین تعامل مادر-کودک و پرخاشگری دانش‌آموزان پسر ($P < 0/05$ و $r = 0/16$)، بین اضطراب مادر و پرخاشگری دانش‌آموزان ($P < 0/05$) و $r = 0/24$) و بین افسردگی مادر و پرخاشگری دانش‌آموزان پسر ($P < 0/05$ و $r = 0/19$) رابطه معنی‌دار وجود دارد و مجموعاً ۱۴/۶ درصد تغییرات پرخاشگری دانش‌آموزان پسر با سه متغیر مذکور تبیین می‌گردد. بر اساس یافته‌های مذکور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بهبود تعامل مادر-کودک و کاهش اضطراب و افسردگی مادر سبب کاهش پرخاشگری فرزندان پسر می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: تعامل مادر-کودک، اضطراب و افسردگی، پرخاشگری، دانش‌آموزان، دوره ابتدایی

Investigating the Relationship between Mother-Child Interaction, Mother's Anxiety and Depression with Aggressiveness of Elementary School Boy Students in District 1 of Rasht City

Elham Abedinzadeh¹, Mohsen Moshkbid Haghghi^{2*}

M.A. in General Psychology, Simaye Danesh Institute of Higher Education, Rasht, Iran
Assistant Professor, Department of Psychology, Simaye Danesh Higher Education Institute, Rasht, Iran

*Corresponding author: Ehya110@yahoo.com

Abstract

This research was conducted with the aim of investigating the relationship between mother-child interaction, mother's anxiety and depression with aggression of elementary school boy students in District 1 of Rasht city. The type of descriptive research and its method was also correlational. The statistical population included all the male students of the 6th grade of elementary education schools in the 1st district of Rasht in the academic year of 2023-2024 along with their mothers (870), of which a sample of 205 students and 205 mothers was selected by sampling method. Clusters were randomly selected. Aggression questionnaires by Eyseng and Glenn Wilson (1975), assessment of mother-child relationship by Russ (1980) and hospital anxiety and depression by Sigmon and Snaith (1983) were used to collect the required data. Parametric statistical tests of Pearson's correlation coefficient and multiple regression were used to analyze the data. The findings showed that there is a relationship between mother-child interaction and aggression of male students ($P < 0.05$ and $r = 0.16$), between mother's anxiety and students' aggression ($P < 0.05$ and $r = 0.24$) and between mother's depression and Aggression of male students ($P < 0.05$ and $r = 0.19$) has a significant relationship, and a total of 14.6 percent of the changes in male students' aggression is explained by the three mentioned variables. Based on the mentioned findings, it can be concluded that the improvement of mother-child interaction and the reduction of mother's anxiety and depression lead to the reduction of male children's aggression.

Key Words: Mother-Child Interaction, Anxiety, Depression, Aggression, Students, Elementary School

مربیان و روانشناسان در حوزه آموزش و پرورش با چالش‌های متعددی روبرو هستند که پرخاشگری^۱ دانش‌آموزان^۲ نمونه‌ای از آن است. پرخاشگری رفتار قابل مشاهده به قصد آسیب رساندن به دیگران تعریف می‌شود. رفتارهای ضداجتماعی و پرخاشگری در زمره شایع‌ترین علل ارجاع کودکان و نوجوانان به کلینیک‌های بهداشت روانی هستند. عدم مهار رفتار پرخاشگرانه علاوه بر اینکه می‌تواند موجب ایجاد مشکلات بین فردی و جرم شود، درون‌ریزی^۳ را نیز به همراه دارد و موجب بروز انواع مشکلات جسمی و روانی، مانند زخم معده، سردرد و افسردگی می‌شود (شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۶). ماتسون^۴ (۲۰۱۷) معتقد است که انواع شدید مشکلات رفتاری می‌تواند بسیار خطرناک باشد. به رشد شخصی صدمه بزند، فرصت‌های یادگیری و رفتار سازگارانه را کاهش داده و سرانجام کیفیت زندگی شخصی را تحت تأثیر قرار دهد. رفتار پرخاشگرانه دوران کودکی می‌تواند به عنوان یک عامل پیش‌بینی کننده برای بزهکاری، سوء‌مصرف مواد، افسردگی و افت تحصیلی باشد. شواهد نشان می‌دهد که رفتار ضداجتماعی دوران خردسالی با ناتوانی‌های دوران بزرگسالی در ارتباط است (دان و فایت^۵، ۲۰۲۰).

عوامل مختلفی می‌تواند در شکل‌گیری پرخاشگری فرزندان نقش داشته باشد که تعامل مادر-کودک^۶ از جمله آنها است. موضوع تعامل مادر-کودک از مهمترین منبع‌های مشکلات والدگری می‌باشد که با مرتفع شدن آن می‌توان از بسیاری از محدودیت‌های ناشی از نبود ارتباط مناسب میان والدین و کودکان پیشگیری نمود (نگویان و همکاران^۷، ۲۰۲۰). تعامل مادر-کودک از جمله روابط اساسی و مهم به‌منظور برقراری عشق و امنیت می‌باشد و ترکیبی از احساسات، رفتارها و انتظاراتی می‌باشد منحصر به والدین خاص و نیز یک کودک خاص نمی‌باشد. این تعامل ابتدایی‌ترین معرف دنیای ارتباطات برای کودک می‌باشد و احساس امنیت و صمیمیت به‌صورت مستقیم در این روابط دارای ریشه است. والدین متعددی در فضا و زمان مشترک با کودکان خود به سر می‌برند، ولی با نیازهای کودک و احساسات او بیگانه هستند (پتچارات و لایهر^۸، ۲۰۱۷). مطالعات پیشین نشان داده است که در ارتباط با تعامل والدین-فرزندان دو موضوع حیاتی وجود دارد: پذیرش فرزندان از طرف والدین و مهار فرزندان از سوی والدین که این موارد می‌تواند در تعیین نوع رفتار فرزندان والدین نقش داشته باشد. بهبود تعامل والد-فرزند سبب کاهش اضطراب، استرس و افسردگی والدین دارای کودکان پرخاشگر می‌شود (آگازی و همکاران^۹، ۲۰۱۷). شیبانی‌فر و همکاران (۱۳۹۸) در نشان دادند بین استرس ادراک شده مثبت مادران با رفتار پرخاشگری فکر پرخاشگری، احساس پرخاشگری و پرخاشگری کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری رابطه منفی و معنادار وجود داشت. شیرالی‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی دریافتند نقش واسطه‌ای استرس فرزندپروری، سلامت روان و کیفیت رابطه مادر-کودک در رابطه بین مشکلات رفتاری کودکان

1- Aggression

2- Students

3- Importing

4- Matson

5- Dunn & Fait

6- Mother-Child Interaction

7- Nguyen & et al

8- Petcharat & Liehr

9- Agazzi & et al

معنادار است. دریدی و همکاران^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی نشان دادند کیفیت رابطه مادر و کودک بر بهزیستی عاطفی و رفتاری کودک تأثیر دارد. نتایج پژوهش ژو و همکاران^۲ (۲۰۲۱) حاکی از این است زمانی که سطح کمرویی در اواخر کودکی بیشتر بود، پرخاشگری کودکان قوی تر بود و تعارض و خودکنترلی والدین-کودکی نقش های میانجی متعددی بین کمرویی و پرخاشگری داشت.

علاوه بر این اضطراب^۳ مادران می تواند نقش مؤثری در پرخاشگری کودکان داشته باشد. اضطراب در نظریه راجرز عبارت است از؛ وجود تجارب و ادراکات ناهماهنگ با خودپنداره فرد است. به عقیده راجرز فرد روان نژند (روان رنجور) مضطرب فردی است که تجارب زندگی او با خویشتن پنداره او گاهی ناهماهنگ و گاهی حتی در تضاد است. به همین دلیل راجرز معتقد است برای جلوگیری و کاهش اضطراب، فرد مضطرب از طریق استفاده از دو مکانیزم انکار و تحریف سعی می کند بین خود واقعی و زمینه تجربی خود تعادل ایجاد کند (کرکبی و لیندر^۴، ۲۰۲۰). بر اساس موضع گیری های گوناگون متخصصان، تعاریف گوناگونی برای اضطراب ارائه شده است. هر کسی دچار اضطراب می شود و آن تشویشی فراگیر، ناخوشایند و مبهم است که اغلب علائم دستگاه خودکار نظیر سردرد، تعریق، تپش قلب، احساس تنگی نفس در سینه و ناراحتی مختصر معده نیز با آن همراه است (فتیحی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵). شیرزادی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی اعلام کردند بین اضطراب در مادران با پرخاشگری در کودکان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. جیا و همکاران^۵ (۲۰۲۴) در پژوهشی نتیجه گرفتند اضطراب والدینی مادر، مشکلات اجتماعی-عاطفی کودکان را به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق رابطه مادر-کودک پیش بینی می کند.

سازه دیگری که نقش تعیین کننده ای در پرخاشگری کودکان دارد افسردگی^۶ مادران می باشد. افسردگی حالت مرضی عاطفی است که با احساس نومیدی، بی کفایتی، گناه و بی ارزشی همراه است. خصوصیات اصلی حالات افسردگی، کاهش عمیق میل به فعالیت های لذت بخش روزمره، مثل معاشرت، تفریح، ورزش، غذا و روابط جنسی است. برآوردها نشان می دهند که تا سال ۲۰۲۰ افسردگی به عنوان دومین علت عمده بیماری پس از بیماری های قلبی باشد (آگین^۷، ۲۰۱۴). افسردگی بین افراد جامعه مسأله ای بااهمیت است زیرا از یک سو باعث هدر رفتن سرمایه جامعه می گردد و از سوی دیگر، از میزان موفقیت و کارآمدی آنان می کاهد و افراد را از رسیدن به جایگاه رفیع علمی و اجتماعی باز می دارد. کریمی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی نتیجه گرفتند بین افسردگی مادران با میزان پرخاشگری دانش آموزان ابتدایی مدارس دولتی دخترانه شهر سیرجان رابطه معنادار وجود دارد.

1- Dreidi & et al

2- Xu & et al

3- Anxiety

4- Kirkby & Linder

5- Jia & et al

6- Depression

7- Akin

با توجه به اینکه پرخاشگری کودکان می‌تواند ناشی از مشکلات روانشناختی والدین به ویژه مادرانشان باشد و یا نوع تعامل والدین با کودکان در ایجاد و تشدید مشکلات فرزندان سهیم باشد، تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال بود که چه رابطه‌ای میان متغیرهای پیش‌بین تعامل مادر-کودک، اضطراب و افسردگی مادر و پرخاشگری دانش‌آموزان پسر وجود دارد؟

مواد و روش‌ها

نوع این پژوهش توصیفی بود که به روش همبستگی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی مدارس آموزش و پرورش ناحیه ۱ شهر رشت در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ و مادران آن‌ها هستند. تعداد این دانش‌آموزان ۴۳۵ نفر می‌باشد و با تعداد مادران این دانش‌آموزان، جامعه آماری تحقیق شامل ۸۷۰ نفر است. با در نظر گرفتن حجم مندرج در جدول مورگان، تعداد ۲۰۵ نفر دانش‌آموز پسر به همراه ۲۰۵ نفر مادرانشان (جمعاً ۴۱۰ نفر) انتخاب شده‌اند. جهت اطمینان از توانایی درک دانش‌آموزان از محتوای پرسشنامه‌ها، نمونه تحقیق از میان دانش‌آموزان پایه ششم انتخاب شده‌اند. معیارهای ورود آزمودنی‌ها به مطالعه شامل؛ علاقه‌مند به همکاری در پژوهش، فاقد هرگونه بیماری جسمی و روانی، دانش‌آموزان پسر و تحصیل در پایه ششم ابتدایی شهر رشت بود. همچنین معیارهای خروج شامل؛ عدم علاقه‌مندی به همکاری در پژوهش و بی‌پاسخ گذاشتن حداقل ۵ درصد از سؤالات پرسشنامه‌ها بود. از سوی دیگر ملاحظات اخلاقی به شرح ذیل رعایت شد: (۱) پیش از شروع مطالعه، شرکت کنندگان از موضوع و روش اجرا مطالعه مطلع شدند. (۲) پژوهشگر متعهد شد تا از اطلاعات خصوصی و شخصی آزمودنی‌ها محافظت نماید. (۳) پژوهشگر متعهد شد نتایج پژوهش را در صورت تمایل آزمودنی‌ها، برای آن‌ها تفسیر نماید. (۴) در صورت مشاهده هرگونه ابهام، راهنمایی‌های لازم به آزمودنی‌ها ارائه شد. (۵) مشارکت در پژوهش هیچگونه بار مالی برای شرکت کنندگان بدنبال نداشت و (۶) این پژوهش با موازین فرهنگی آزمودنی‌ها و جامعه هیچ‌گونه مغایرتی نداشت. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌های شرح زیر استفاده شد:

- پرسشنامه ارزیابی رابطه مادر-فرزند: این مقیاس توسط روس^۱ (۱۹۸۰) تهیه شده و دارای ۴۸ سؤال می‌باشد. پاسخ دهندگان بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت شامل؛ کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، نمی‌توانم تصمیم بگیرم (۳)، موافقم (۴) و کاملاً موافقم (۵) به این پرسشنامه پاسخ می‌دهند. نمره‌ای که فرد در این مقیاس به دست می‌آورد بین ۴۸ تا ۲۴۰ و خط برش آن نیز ۱۴۴ می‌باشد. روس ضمن تأیید روایی این ابزار از طریق تحلیل عاملی، پایایی آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۸ گزارش کرده است. خانجانی (۱۳۹۵) نیز ضمن تأیید روایی صوری این ابزار با استفاده از نظرات متخصصان روانشناسی، پایایی آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۵ به دست آورده است.

- پرسشنامه اضطراب و افسردگی هاسپیتال: این پرسشنامه توسط زیگمون و اسنایت^۲ (۱۹۸۳) ساخته شده و دارای ۱۴ سؤال و ۲ خرده مؤلفه شامل؛ نشانه‌های اضطراب (سؤالات؛ ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۲ و ۱۳) و نشانه‌های افسردگی (سؤالات؛ ۲، ۳، ۶،

^۱- Ross

^۲- Zigmond & Snaith

۷، ۱۰، ۱۱ و ۱۴) است. پاسخگویی به سؤالات در یک مقیاس ۴ درجه‌ای (۰، ۱، ۲ و ۳) صورت می‌گیرد. مؤلفان نمره ۱۱ را به عنوان نقطه برش اعلام کردند که نمره بالاتر از آن از اهمیت بالینی برخوردار است. پرسشنامه مذکور را مادران تکمیل کردند. زیگمون و اسنایت (۱۹۸۳) ضمن تأیید روایی این پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل عاملی، پایایی آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه اضطراب ۰/۸۵ و برای مؤلفه افسردگی ۰/۷۱ محاسبه کردند. همچنین صدوقی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی ضمن تأیید روایی صوری پرسشنامه مذکور با استفاده از نظرات متخصصان روانشناسی، ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه اضطراب ۰/۸۲ و برای مؤلفه افسردگی ۰/۸۲ گزارش کردند.

- پرسشنامه پرخاشگری: این پرسشنامه توسط باس و پری^۱ (۱۹۹۲) ساخته شده و دارای ۲۹ سؤال در طیف ۵ درجه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم و اصلاً) نمره گذاری می‌شود. این پرسشنامه دارای ۴ خرده مقیاس با عنوان: پرخاشگری کلامی، پرخاشگری فیزیکی، خشم و خصومت می‌باشد. حداقل و حداکثر نمره آن به ترتیب ۲۹ و ۱۴۵ و خط برش آن نیز ۸۷ می‌باشد. باس و پری (۱۹۹۲) روایی این پرسشنامه را به روش تحلیل عاملی ۰/۶۶ و پایایی آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ محاسبه کرده‌اند. همچنین حسینی و همکاران (۱۳۹۸) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ محاسبه کرده‌اند.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی از آزمون‌های آمار استنباطی همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به کمک نرم‌افزار SPSS²⁶ استفاده شد. همچنین سطح معناداری برای تمامی آزمون‌ها ۰/۰۵ لحاظ گردید.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان این پژوهش تعداد ۲۰۵ نفر از دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی و نیز ۲۰۵ نفر از مادران همان دانش‌آموزان بودند. میانگین و انحراف معیار سن دانش‌آموزان $12/97 \pm 0/21$ سال بود. از سوی میانگین و انحراف معیار سن مادران دانش‌آموزان مذکور $36/45 \pm 6/03$ سال بود. همچنین میانگین و انحراف معیار تعداد اعضای خانواده آزمودنی‌ها $4/05 \pm 1/10$ نفر بود. در جدول ۱ یافته‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

¹- Buss & Perry

جدول ۱- ماتریس همبستگی متغیرهای پیش‌بین و ملاک

متغیر	تعامل مادر-کودک	اضطراب مادر	افسردگی مادر	پرخاشگری
تعامل مادر-کودک	۱			
اضطراب مادر	**-.۰/۲۶۶	۱		
افسردگی مادر	**-.۰/۳۱۷	**۰/۲۹۹	۱	
پرخاشگری	*-.۰/۱۶۸	*۰/۲۴۲	*۰/۱۹۳	۱
میانگین	۱۶۴/۶۴	۱۳/۰۶	۱۰/۷۴	۸۶/۰۰
انحراف معیار	۳/۶۷	۰/۴۱	۰/۲۳	۶/۹۵
کجی	۰/۱۱۴	۰/۰۵۵	-۰/۰۶۳	-۰/۸۵۴
کشیدگی	-۰/۸۶۴	-۱/۴۴	۰/۳۷	۰/۹۸۶
کولموگروف-اسمیرنف	p>۰/۰۹۰	p>۰/۱۶۹	p>۰/۲۰۸	p>۰/۳۷۴

*p< ۰/۰۵، **p< ۰/۰۱

جدول ۱ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. نتایج نشان داد بین تعامل مادر-کودک با پرخاشگری فرزندان رابطه منفی و معنادار و بین اضطراب و افسردگی مادر با پرخاشگری فرزندان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (P<۰/۰۵). پیش از تحلیل داده‌ها با روش رگرسیون، مفروضه‌های آن بررسی شد. فرض نرمال بودن داده‌ها به دلیل قرار داشتن مقدار کجی و کشیدگی در دامنه +۲ تا -۲ برای همه متغیرها تأیید شد. از سوی دیگر برای بررسی وضعیت نرمالیت داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنف استفاده شد. با توجه به معنادار نشدن این آزمون، فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها رد نشد (p>۰/۰۵). بر همین اساس استفاده از تحلیل رگرسیون مجاز است.

جدول ۲- مدل تحلیل رگرسیون

R	مجذور R	مجذور R تعدیل شده	F	Sig.
۰/۳۴۴	۰/۱۹۳	۰/۱۴۶	۴/۲۴۲	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول ۲ متغیر تعامل مادر-کودک، اضطراب مادر و افسردگی مادر ۱۴/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته (پرخاشگری فرزندان) را تبیین می‌کنند.

جدول ۳- نتایج ضرایب رگرسیونی برای پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان بر اساس تعامل مادر-کودک، اضطراب و افسردگی مادر

معناداری	ضرایب استاندارد		ضرایب غیراستاندارد		مقدار ثابت
	t	Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۱	۹/۶۷۸	-	۵/۱۸۷	۵۰/۱۹۸	
۰/۰۰۹	۲/۶۵۰	۰/۱۹۹	۰/۰۲۶	۰/۰۶۹	تعامل مادر-کودک
۰/۰۲۱	۲/۳۲۰	۰/۱۷۱	۰/۰۵۰	۰/۱۱۷	اضطراب مادر
۰/۰۴۷	۱/۴۳۶	۰/۱۰۴	۰/۱۰۹	۰/۱۵۷	افسردگی مادر

بر اساس نتایج جدول ۳ مقدار تی به دست آمده برای متغیرهای پیش‌بین تعامل مادر-کودک، اضطراب و افسردگی مادر معنادار است که نشان می‌دهد این متغیرها با ضریب بتای ۰/۱۹۹ (برای متغیر تعامل مادر-کودک)، ضریب بتای ۰/۱۷۱ (برای متغیر

اضطراب مادر) و ضریب بتای ۰/۱۰۴ (برای متغیر افسردگی مادر) نقش معناداری در پیش‌بینی متغیر وابسته (پرخاشگری فرزندان) دارد ($P < ۰/۰۵$).

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف پیش‌بینی پرخاشگری دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی بر اساس تعامل مادر-کودک، اضطراب و افسردگی مادر انجام شد. نتایج نشان داد نتایج نشان داد بین تعامل مادر-کودک و پرخاشگری دانش‌آموزان پسر رابطه معنادار وجود دارد. به‌گونه‌ای که با بهبود تعامل مادر-کودک، پرخاشگری کودک کاهش می‌یابد. این یافته در راستای پژوهش‌های شیرزادی و همکاران (۱۳۹۹) شیرالی‌نیا و همکاران (۱۳۹۸)، جیا و همکاران (۲۰۲۴) و دریدی و همکاران (۲۰۲۴) قرار دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت موضوع تعامل مادر-کودک از مهمترین منبع‌های مشکلات والدگری می‌باشد که با مرتفع شدن آن می‌توان از بسیاری از محدودیت‌های ناشی از نبود ارتباط مناسب میان والدین و کودکان پیشگیری نمود. تعامل مادر-کودک از جمله روابط اساسی و مهم به‌منظور برقراری عشق و امنیت می‌باشد و ترکیبی از احساسات، رفتارها و انتظاراتی می‌باشد منحصر به والدین خاص و نیز یک کودک خاص نمی‌باشد. این تعامل ابتدایی‌ترین معرف دنیای ارتباطات برای کودک می‌باشد و احساس امنیت، عشق و صمیمیت به‌صورت مستقیم در این روابط دارای ریشه است. والدین متعددی در فضا و زمان مشترک با کودکان خود به سر می‌برند، ولی با نیازهای کودک و احساسات او بیگانه هستند. مطالعات پیشین نشان داده است که در ارتباط با تعامل والدین-فرزندان دو موضوع حیاتی وجود دارد: پذیرش فرزندان از طرف والدین و مهار فرزندان از سوی والدین. هر دوی این موارد می‌تواند در تعیین نوع رفتار فرزندان و بازتاب آن در والدین نقش داشته باشد. بهبود تعامل والد-فرزند سبب کاهش اضطراب، استرس و افسردگی والدین دارای کودکان پرخاشگر می‌شود.

در بخش دیگری نتایج نشان داد بین اضطراب مادر و پرخاشگری دانش‌آموزان پسر رابطه وجود دارد. نتایج نشان داد بین اضطراب مادر و پرخاشگری دانش‌آموزان پسر رابطه معنادار وجود دارد. به‌گونه‌ای که با افزایش اضطراب مادر، پرخاشگری کودک کاهش می‌یابد. این یافته در راستای پژوهش‌های شیبانی‌فر و همکاران (۱۳۹۸) و ژو و همکاران (۲۰۲۱) قرار دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت نظریه‌پردازان انسان‌گرا بر این باورند که اختلال‌های اضطرابی مانند هر اختلال روانی دیگر، هنگامی بروز می‌کنند که افراد خود را صادقانه مورد پذیرش قرار نمی‌دهند و در عوض، به افکار و تغییر افکار، هیجان‌ها و رفتار خود می‌پردازند. این موضع‌گیری‌های دفاعی در نهایت، آن‌ها را دچار اضطراب مفرط و ناتوانی در استفاده از نیروهای بالقوه انسانی را در پی دارد. دیدگاه "انسان‌گرا" درباره چگونگی گسترش اختلال‌های هراسی و اضطرابی در آثار راجرز به‌خوبی بیان شده است. وی عقیده دارد که اگر افراد نتوانند در خلال کودکی "توجه مثبت بی‌قید و شرط" را از افرادی که برای آن‌ها معنادار هستند دریافت کنند، یک شیوه کنشی دفاعی در آن‌ها گسترش می‌یابد و دیدگاهی انتقادی نسبت به خود اتخاذ می‌کنند. به کار بردن این‌گونه سازو کارهای دفاعی موجب می‌شود که آن‌ها فقط به احساسات مثبت درباره خویشان دست یابند و به اغتشاش فکری و اضطراب گسترده‌ای دچار شوند که از احساس تهدید شدگی دائم ناشی می‌شود.

همچنین نتایج نشان داد بین افسردگی مادر و پرخاشگری دانش‌آموزان پسر رابطه وجود دارد. نتایج نشان داد بین افسردگی مادر و پرخاشگری دانش‌آموزان پسر رابطه معنادار وجود دارد. این یافته در راستای پژوهش‌های کریمی و همکاران (۱۴۰۱) و آگازی و همکاران (۲۰۱۷) قرار دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت بعضی مواقع پرخاشگری شدید کودک به علت تنوع‌طلبی، عدم توان در به‌تعویق انداختن خواسته‌ها و یا به دلیل احساس رنجش عمیق کودک در برابر بی‌عدالتی یا تبعیض والدین و اطرافیان می‌باشد. خشونت در کودکان به‌صورت‌های گوناگون مانند؛ گریه‌کردن، گازگرفتن، دشنام‌دادن، شکستن اشیاء، فریاد-کشیدن، خود را به زمین‌زدن، خود را به زمین‌مالیدن، سر را به دیوار زدن و حتی کتک‌زدن اولیاء دیده می‌شود. در چنین موقعیتی والدین و اطرافیان موظف هستند با استفاده از تکنیک‌های رفتار درمانی اولاً علت رفتار را بررسی کنند و در مرحله بعد میزان و مقدار تکرار آن را در طول روز و هفته و ماه بررسی کنند. ثانیاً با حساسیت‌زدایی تدریجی، کاهش مکانیزم‌های تقویت‌کننده رفتار پرخاشگرانه کودک و با افزایش مکانیزم‌های بازدارنده رفتار پرخاشگرانه او، به دنبال حل مشکل رفتاری و عاطفی کودک باشند. علاوه بر این که بروز پرخاشگری کودکان از موقعیتی به موقعیت دیگر تفاوت دارد، از لحاظ تداوم رفتار پرخاشگرانه در طول زمان نیز با هم متفاوت است. پژوهش‌های علمی و تجربی نشان داده است کودکانی که در دوران اولیه زندگی به شدت پرخاشگرند، به احتمال زیاد در نوجوانی و بزرگسالی هم پرخاشگر خواهند شد. تعدادی از مطالعات نیز نشان دادند که شدت پرخاشگری در بین دختران و پسران تفاوت دارد به گونه‌ای که پرخاشگری دختران در طول زمان کمتر از پسران می‌باشد. ولی با وجود این یافته، چندین پژوهش دیگر نشان دادند که دخترها و پسران از این لحاظ فرقی با یکدیگر ندارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که بهبود تعامل مادر-کودک و کاهش اضطراب و افسردگی مادر سبب کاهش پرخاشگری فرزندان است. محدودیت‌های این پژوهش بدین شرح بود. ابزار به‌کار رفته در این مطالعه پرسشنامه بود و افراد ممکن است به دلایل مختلف، واقعیت‌ها را منعکس نکنند. این تحقیق در بین دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی ناحیه یک شهر رشت انجام شد بنابراین یافته‌های آن را نمی‌توان بطور کامل به سایر جوامع تعمیم داد. از سوی دیگر به دلیل ماهیت مقطعی مطالعه، نمی‌توان نتیجه‌گیری این یافته‌ها را به همه دانش‌آموزان تعمیم داد. پیشنهادهای مطالعه حاضر بدین شرح می‌باشد؛ نظیر این پژوهش در بین دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی و در دیگر شهرهای استان گیلان انجام شود تا یافته‌های دقیق‌تری در این رابطه ارائه شود. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، علاوه بر پرسشنامه از ابزارهای دیگری همچون مصاحبه استفاده گردد. در جلسات آموزش والدین در انجمن‌های اولیا و مربیان، مفاهیم آموزشی جدیدی با عنوان ارتباط مؤثر، والدگری مثبت و سبک‌های فرزندپروری طراحی و این محتوا در اختیار اولیا به‌ویژه مادران قرار گیرد تا با تغییر احتمالی سبک‌های تعامل مادر-فرزند، از پرخاشگری دانش‌آموزان کاسته شود. با مشاهده مشکلات رفتاری دانش‌آموزان به‌ویژه بروز مشکلات رفتاری برون‌ریزی شده پرخاشگری، مشاوران آموزشگاه‌ها یا مراکز مشاوره آموزش و پرورش بر فرآیندهای تشخیصی اضطراب و افسردگی والدین به‌ویژه مادران متمرکز شوند و از طریق درمان مشکلات اضطرابی و افسردگی مادران، از سطح رفتار پرخاشگری دانش‌آموزان بکاهند. با طراحی جزوات و بروشورهایی در زمینه تعامل مثبت والد-فرزند و ارائه آن به والدین می‌توان در کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان نقش مؤثری ایفا نمود.

منابع

- شیبانی فر، رضا؛ گودرزی، زهره؛ گودرزی، سارا و هاشمی، سیدسهیل. (۱۳۹۸). *رابطه استرس و پذیرش/ طرد مادران با پرخاشگری کودکان دارای اختلال یادگیری شهرستان بروجرد*. اولین کنفرانس ملی کودکان استثنایی از منظر روانشناسی تربیتی، علوم شناختی و آسیب شناختی.
- شیخ‌الاسلامی، علی؛ اسدالهی، الهام و محمدی، نسیم. (۱۳۹۶). پیش بینی پرخاشگری نوجوانان بزهکار بر اساس راهبردهای حل مسأله و مهارت‌های ارتباطی. *مجله سلامت اجتماعی*، ۴(۳)، ۲۱۹-۲۰۹.
- شیرالی‌نیا، خدیجه؛ ایزدی، معصومه و اصلانی، خالد. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای استرس فرزندپروری، کیفیت رابطه مادر-کودک و سلامت روان مادر در رابطه بین فرزندپروری ذهن آگاهانه و مشکلات رفتاری کودکان. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۰(۳۸)، ۱۴۶-۱۳۵.
- شیرزادی، پرستو؛ امینی، نرگس و اصغرپور، زهرا. (۱۳۹۹). *رابطه اضطراب کرونا در مادران با تعامل والد-کودک و پرخاشگری کودکان در ایام قرنطینه*. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۶(۶۲)، ۱۵۴-۱۳۹.
- فتحی نژاد، مریم؛ عابدینی، صدیقه و محسنی، شکرالله. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کلاس‌های آمادگی دوران بارداری بر اضطراب مادران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی هرمزگان. *مجله مراقبت‌های پیشگیرانه در پرستاری و مامایی*، ۶(۶)، ۳۳-۲۴.
- کریمی، عشرت؛ افشار، رضا؛ ماندگار، مهری و عتیقی، الهام. (۱۴۰۱). بررسی رابطه افسردگی و پرخاشگری مادران با میزان بیش‌فعالی و پرخاشگری دانش‌آموزان ابتدایی مدارس دولتی دخترانه شهر سیرجان. *مجله مطالعات اسلامی ایرانی خانواده*، ۲(۴)، ۸۲-۷۰.
- Agazzi, H., Tan, S.Y., Ogg, J., Armstrong, K., Kirby, R.S. (2017). Does parent- child interaction therapy reduce maternal stress, anxiety, and depression among mothers of children with autism spectrum disorder? *Child & Family Behavior Therapy*, 39(4), 283-303.
- Akin, A. (2014). Self-efficacy, achievement goals and depression, anxiety, and stress: A structural equation modeling. *World Applied Sciences Journal*, 3(5), 725-732.
- Dreidi, M., Asmar, I., Tawafsha, A., Syam, B., Izzaldeen, H., Nassar, W., Barakat, I. (2024). The effects of mother-child relationship and mother's personality traits on Child's emotional and behavioral well-being. *Journal of Neonatal Nursing*, Available online 25 January 2024, In Press, Corrected Proof.
- Dunn, J.M., Fait, H.F. (2020). *Special physical education: adapted, individualized developmental*. The university of virginia, W.C. Brown.
- Jia, L., Zhang, Z., Li, R., Zha, J., Fang, P., He, H., Wan, Y. (2024). Maternal parenting stress and social-emotional problems of Chinese preschoolers: The role of the mother-child relationship and maternal adverse childhood experiences. *Journal of Affective Disorders*, 350, 188-196.

- Kirkby, R.J., Linder, H. (2020). Exercise is linked to reductions in anxiety but not premenstrual syndrome in women with prospectively assessed symptoms. *Academic Search Premier*, 33(2), 222-230.
- Petcharat, M., Liehr, P. (2017). Mindfulness training for parents of children with special needs: Guidance for nurses in mental health practice. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing*, 30(1), 35-46.
- Nguyen, T., Schleihauf, H., Kayhan, E., Matthes, D., Vrtička, P., Hoehl, S. (2020). The effects of interaction quality on neural synchrony during mother-child problem solving. *cortex*, 124, 235-249.
- Xu, Y., Zhou, Y., Zhao, J., Xuan, Z., Li, W., Han, L., Liu, H. (2021). The *relationship* between shyness and *aggression* in late childhood: The multiple mediation effects of parent-child conflict and self-control. *Personality and Individual Differences*, 182, 111058.